وظایف نظام سیاسی از دیدگاه قرآن کریم

محمدقاسم محسنی*

چکیده

این مقاله با رویکرد تحلیلی و با هدف بیان وظایف دولت قرآنی نگاشته شده است و با استفاده از آیات قرآن کریم در قالب دو بخش وظایف داخلی و وظایف خارجی به تبیین وظایف دولت اسلامی می‌پردازد. آشکار است که مهم‌ترین وظایف هر نظام سیاسی، تأمین نیازهای عمومی جامعه است که افراد و گروه‌های اجتماعی از تأمین آن ناتوان هستند، نظیر امنیت داخلی و خارجی که باید به‌وسیله همه افراد جامعه تأمین شود و بی‌شک دولت به نمایندگی از جامعه به تدوین مقررات و اعمال راهکارهای لازم می‌پردازد. دفاع از مرزهای یک کشور، یا نیازمندی‌های بهداشتی جامعه، چیزی نیست که از عهده تک‌تک افراد یک جامعه برآید، ازاین‌رو، نیاز است که نهادی برتر و قدرتمند سامان‌دهی امور را بر عهده داشته باشد.

تفاوت مهم وظایف نظام قرآنی با سایر نظام‌ها آن است که نظام قرآنی، افزون بر تأمین نیازهای مادی، بر توزیع عادلانه امکانات تأکید می‌ورزد و به لحاظ توجه به فطرت و حقیقت انسان ارزش‌مدار است. ازاین‌رو، عدالت‌خواهی، هدایت و تربیت جامعه برای نیل به سعادت و خیر حقیقی و ملاحظه مصالح اخروی، از شاخصه‌های اصلی وظایف دولت در نظام قرآنی است.

واژگان کلیدی: نظام سیاسی، حکومت، وظایف، قرآن.

---

* دانشجوی دوره دکترای علوم سیاسی. (ایمل: qasemmohseni@gmail.com)

مقدمه

در فرهنگ اسلامی ازآنجایی‌که خداوند قانونگذار است، شریعت بر دولت مقدم است. ازاین‌رو برخلاف اندیشه معاصر غرب، دولت اسلامی وجود ابزاری و متأخر دارد که تحققش برای اجرای قانون الهی است، لذا امامت به معنی عام که خلافت سنی و امامت شیعه را دربر می‌گیرد؛ یعنی رهبری مؤمنان. به نظر می‌رسد که دولت مبتنی بر رهبری مؤمنان همواره سه وظیفه اساسی داشته است:

۱- حمایت از امت و جامعه اسلامی در برابر غیرمسلمانان، که در قالب مفاهیمی مثل دفاع، نفی سبیل برائت و جهاد بیان می‌شود.

۲- حفظ انسجام داخلی جامعه و حمایت از امت اسلامی در برابر شقاق و الحاد، که با مفاهیمی از قبیل بغی و منع از ارتداد توضیح داده می‌شود.

۳- تامین یک زندگی مطلوب و منطبق با موازین شریعت که امام، خلیفه یا مجتهد، مهمترین مفسر قیود حقوق و قوانین آن است.(فیرحی،۱۳۸٦: ۲۲)

ابو حامد غزالی این وظایف را به گونه دیگر توضیح داده است(غزالی،۱۳۲۲ق،ج۱: ۱۳۹) به نظر او مقاصد شارع که دولت اسلامی موظف به حفظ و رعایت آنها است می‌توان در پنج امر خلاصه نمود: ۱- حفظ دین و فرهنگ مردم ۲- حفظ جان مردم ۳- حفظ عقول واندیشه‌های مردم ٤- حفظ نسل، آینده و جمعیت مردم ٥- حفظ اموال مردم، به نظر غزالی این امور ضرورت‌های پنجگانه‌ای هستند که حیات مردم در دنیا و سعادت و نجات آنها در آخرت به آنها وابسته است.

الف) وظایف نظام قرآنی در سیاست خارجی

سیاست خارجی(foreign policy) عبارت ازیک استراتژی یایک رشته اعمال ازپیش طرح ریزی شده توسط تصمیم گیرندگان حکومتی که مقصود آن دستیابی به اهداف معین، درچارچوب منافع ملی و درمحیط بین المللی‌است. سیاست خارجی شامل تعیین و اجرای یک

سلسله اهداف و منافع ملی است که درصحنه بین الملل ازسوی دولتها انجام می‌شود. سیاست خارجی هم چنین می‌تواند ابتکار عمل یک دولت و یا واکنش آن درقبال کنش دیگر دولت‌ها باشد. (علی بابائی،۱۳۷۷ : ۲۱۸).

به بیان دیگر سیاست‌خارجی عبارت است از راهبردهای که تیم تصمیم گیرنده‌گان حکومتی طرح ریزی می‌کنند تا در چارچوب منافع ملی، امنیت ملی و در محیط بین المللی به اهداف معین دست یابند.(کلینتون،۱۳۷۹: ۱۷)حال به تحلیل مواردی از وظایف سیاست خارجی دولت در قرآن می پردازیم:

۱- صلح و همزیستی مسالمت آمیز

همزیستی مسالمت آمیز فکر اصیل اسلامی است که آیات متعددی از قرآن کریم به صورت-های گوناگون با تأکید و صراحت کامل بدان سفارش نموده و این در حالی است که چهارده قرن قبل مفهوم «همزیستی مسالمت آمیز» برای بشر به طور کامل شناخته شده نبود و قرآن کریم با تأکید فراوان مسلمانان را بدان دعوت کرد.

صلح و صفا روح اسلام است، واژه «اسلام» از ماده سلم گرفته شده است، لذا قرآن به یاران خود دستور می‌دهد که همگی در حوزه سلم و صلح وارد شوید. «یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِی السِّلْمِ کَافَّةً» (بقره: ۲۰۸) «وَ إِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَها وَ تَوَکَّلْ عَلَی اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمیعُ الْعَلیم» (انفال،٦١) اگر به سوی صلح تمایل کردند، تونیز به آن اظهار میل بنما. علاقه اسلام به صلح میان افراد انسان به حدی است که به افراد با ایمان نوید می‌دهد که شاید (در اثر نحوه رفتار مسلمانان) میان آنها وگروه‌های مشرک پیوند دوستی بر قرار شود، آنجا که می‌فرماید:« عَسَی اللَّهُ أَنْ یَجْعَلَ بَیْنَکُمْ وَ بَیْنَ الَّذینَ عادَیْتُمْ مِنْهُمْ مَوَدَّةً وَ اللَّهُ قَدیرٌ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحیم»(ممتحنه،۷) امید است خدا میان شما و کسانی از مشرکین که با شما دشمنی کردند (از راه اسلام) پیوند محبّت برقرار کند؛ خداوند تواناست و خداوند آمرزنده و مهربان است.

پیامبر(ص) در فتح مکه کاری انجام داد که می‌تواند روش حکومت اسلامی را در برابر دشمن مغلوب روشن می سازد، وی در گشودن این دژ شرک که سالیانی درازی خود در آنجا شکنجه دیده بود و یاران او زیر شکنجه قریش جان داده بود، پرچم را به دست یکی از یاران خود به

نام سعد بن عباده داد، او به هنگام فتح مکه فرمانده ستون بزرگی بود که با ورود خود به شهر مکه می‌توانیست هر نوع مانعی را از جلوش بردارد، او هنگام ورود به شهر مکه این شعار را سر می‌داد «الیوم یوم المَلحَمه، الیوم تستحل الحرمه، الیوم اذل الله قریشا» امروز روزی نبرد وپیکار باقریش است، امروز زنان آنان اسیر می‌گردند، امروز روزی است که قریش خوار و ذلیل می‌گردند. ناگهان پیامبر از این شعار تند و خشونت بار که مورا بر بدن مشرکان مغلوب راست می‌کرد آگاه گردید. فورا سعد را از فرماندهی عزل کرد پرچم رابه دست فرزندش«قیس بن سعد» داد و دستور داد شعار او درست در مقابل شعار پدر باشد و بگوید:« الیوم یوم المرحمه، الیوم اعزالله قریشا».(واقدی،١٣٦٦، ج٢: ٨٢١)

گرچه همان پیامبر به پیروان خود دستور داده نیروهای دفاعی خود را تا سرحد امکان تقویت نماید که خودش زمینه صلح را فراهم می‌کند. ولی اجازه نداده که این نیروها برای تجاوز و تعدی به دیگران به کاربرده شوند.« وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِباطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُم»(انفال،٦٠) در برابر آنها آنچه توان دارید، نیروی (رزمی) و مرکب کارآمد آماده کنید، تا به آن وسیله دشمنان خدا و دشمنان خودتان را بترسانید. اسلام تقویت نیرو را برای استواری صلح و پرهیز از جنگ و در مواقع اضطرار برای دفاع خواسته است، قرآن کریم برای تأمین همزیستی مسالمت آمیز، راه‌های گوناگونی را سفارش کرده است که به اهم آن اشاره می‌شود:

الف) آزادی فکر و عقیده: عقاید قلبی و مسئل وجدانی به گونه‌ای است که اکراه واجبار بر نمی‌دارد اگر فردی به حکم اجبار، فشار و اکراه معتقدات و دستورات یک دین را به ظاهر بپذیرد، هرگز به آن معنی نیست که در قلب و وجدان خویش نیز آن را پذیرفته است.«لا إِكْراهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِ»(بقره،٢٥٦) در قبول دین، اکراهی نیست. (زیرا) راه درست از راه انحرافی، روشن شده است. « وَ لَوْ شاءَ رَبُّكَ لَآمَنَ مَنْ فِي الْأَرْضِ كُلُّهُمْ جَميعاً أَفَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّى يَكُونُوا مُؤْمِنين»(یونس،٩٩) و اگر پروردگار تو می‌خواست، تمام کسانی که روی زمین هستند، همگی به (اجبار) ایمان می‌آوردند؛ آیا تو می‌خواهی مردم را مجبور سازی که ایمان بیاورند؟! (ایمان اجباری چه سودی دارد؟!) پیامبر مأمور ابلاغ دستورهای الاهی است؛ خواه مخالفین ایمان بیاورند یانه:« وَ قُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَ مَنْ شاءَ

فَلْيَكْفُرْ»(کهف،۲۹) بگو: «این حقّ است از سوی پروردگارتان! هرکس می‌خواهد ایمان بیاورد (و این حقیقت را پذیرا شود)، و هر کس میخواهد کافر گردد!».

«وَ لَوْ شاءَ اللَّهُ ما أَشْرَكُوا وَ ما جَعَلْناکَ عَلَيْهِمْ حَفِيظاً وَ ما أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ»(انعام،۱۰۷) اگر خدا می‌خواست، (همه به اجبار ایمان می‌آوردند،) و هیچ یک مشرک نمی‌شدند؛ و ما تو را مسئول (اعمال) آنها قرار نداده‌ایم؛ و وظیفه نداری آنها را (به ایمان) مجبور سازی. خداوند هرچند بر هدایت همه انسان ها قدرت دارد ولی حکمتش برآن تعلق گرفته است که پس از تبیین حق از باطل انسان‌ها را مختار قرار دهند.« قُلْ فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبالِغَةُ فَلَوْ شاءَ لَهَداكُمْ أَجْمَعِينَ»(انعام،۱٤۹) بگو: دلیل رسا (و قاطع) برای خداست (دلیلی که برای هیچ کس بهانه‌ای باقی نمی‌گذارد). و اگر او بخواهد، همه شما را (به اجبار) هدایت می‌کند. (ولی چون هدایت اجباری بی‌ثمر است، این کار را نمی‌کند.) «إِنَّا هَدَيْناهُ السَّبِيلَ إِمَّا شاكِراً وَ إِمَّا كَفُوراً»(انسان،۳) ما راه را به او نشان دادیم، خواه شاکر باشد (و پذیرا گردد) یا ناسپاس.

ب) دعوت به همزیستی مسالمت آمیز باتوجه به اصول مشترک: اسلام آیینی است که از همان زمان پیدایی با شعار همزیستی مسالمت آمیز دعوت خویش را به جهانیان عرضه کرد. این آیین به اهل کتاب می‌گوید:« قُلْ يا أَهْلَ الْكِتابِ تَعالَوْا إِلى كَلِمَةٍ سَواءٍ بَيْنَنا وَ بَيْنَكُمْ أَلاَّ نَعْبُدَ إِلاَّ اللَّهَ وَ لا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئاً وَ لا يَتَّخِذَ بَعْضُنا بَعْضاً أَرْباباً مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ»(آل عمران،٦٤) بگو: «ای اهل کتاب! بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است؛ که جز خداوند یگانه را نپرستیم و چیزی را همتای او قرار ندهیم؛ و بعضی از ما، بعضی دیگر را –غیر از خدای یگانه– به خدایی نپذیرد.» هرگاه (از این دعوت،) سرباز زنند، بگویید: «گواه باشید که ما مسلمانیم!

ج) نفی برتری طلبی: قرآن کریم هرگونه تصور نژاد پرستانه را محکوم کرده و همه انسان‌ها را فرزند یک پدر ومادر می شمرد و به طوری قهری، فاقد برتری نژادی، قومی و مذهبی می‌دانند: «يا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْناكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَ أُنْثى وَ جَعَلْناكُمْ شُعُوباً وَ قَبائِلَ لِتَعارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ»(حجرات،۱۳) ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید؛ (اینها ملاک امتیاز نیست،)

گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست؛ خداوند دانا و آگاه است!. تساوی و برابری انسان‌ها یکی از اصول مهم همزیستی مسالمت آمیز است؛ چون نژاد پرستی، خود برتربینی، تحقیر ملت‌ها و مذاهب دیگر سبب مشکلات فراوانی برای جامعه بشری شده است، جنگ-های جهانی اول ودوم وجنگ‌های بی شماری دیگر نمونه بارز این مدعا است.

د) قرآن و گفتگوی مسالمت‌آمیز: قرآن کریم به مسلمانان دستور می دهد که با جدال احسن وگفتگوی مسالمت آمیز با غیر مسلمانان سخن بگویید و روابط خودرا بر اساس اصول مشترک قرار دهند.« وَ لا تُجادِلُوا أَهْلَ الْكِتابِ إِلاَّ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلاَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَ قُولُوا آمَنَّا بِالَّذِي أُنْزِلَ إِلَيْنا وَ أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ وَ إِلهُنا وَ إِلهُكُمْ واحِدٌ وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُون»(عنکبوت،٤٦) با اهل کتاب جز به روشی که از همه نیکوتر است مجادله نکنید، مگر کسانی از آنان که ستم کردند؛ و (به آنها) بگویید: «ما به تمام آنچه از سوی خدا بر ما و شما نازل شده ایمان آورده‌ایم، و معبود ما و شما یکی است، و ما در برابر او تسلیم هستیم!»

قرآن به مسلمانان دستور می‌دهد که از دشنام دادن به کافران و بت پرستان بپرهیزند؛ چه این که آنها هم به همین شیوه متوسل می شوند:« وَ لا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْواً بِغَيْرِ عِلْمٍ كَذلِكَ زَيَّنَّا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلَهُمْ ثُمَّ إِلى رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُمْ بِما كانُوا يَعْمَلُون»(انعام، ۱۰۸)(به معبود) کسانی که غیر خدا را می‌خوانند دشنام ندهید، مبادا آنها (نیز) از روی (ظلم و) جهل، خدا را دشنام دهند! اینچنین برای هر امّتی عملشان را زینت دادیم سپس بازگشت همه آنان به سوی پروردگارشان است؛ و آنها را از آنچه عمل می‌کردند، آگاه می‌سازد (و پاداش و کیفر می‌دهد) اسلام سفارش اکید داردکه از ناسزا گفتن بپرهیزید و رعایت اصول ادب، عفت و نزاکت در بیان را لازم می‌شمارد. زیرا هرگروه و ملتی، به عقاید و اعمال خود تعصب دارد و ناسزا گفتن و برخورد خشن باعث می‌شود که آنها در عقاید خود سخت تر شوند.

۲- استقلال سیاسی

اسلام کوشش کرده است که قوانین و مقررات و رسالت خود را به همه جهانیان ابلاغ نماید؛ واین مسلما بدون رابطه با سایر ملل، امکان پذیر نیست. اما باید هوشیار بود که آنان را محرم

اسرار خود قرار ندهند و آنان را از رازهای سیاسی خود آگاه ننمایند که مبادا با اطلاع از خفایای امور مسلمانان، راه تسلط و استعمار را باز کنند و رهبری سیاسی مسلمانان را در دست گیرند، چنان که قرآن می‌فرمایند.:«یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا لا تَتَّخِذُوا بِطانَةً مِنْ دُونِکُمْ لا یَأْلُونَکُمْ خَبالاً وَدُّوا ما عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضاءُ مِنْ أَفْواهِهِمْ وَ ما تُخْفی صُدُورُهُمْ أَکْبَرُ قَدْ بَیَّنَّا لَکُمُ الْآیاتِ إِنْ کُنْتُمْ تَعْقِلُون»(آل عمران، ۱۱۸) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از غیر خود برای خویش دوست محرم راز نگیرید، آنها از هیچ فسادی درباره شما کوتاهی نمی‌کنند، مشقت و رنج شما را دوست دارند، دشمنی از سخنان‌شان پدیدار است، و آنچه سینه‌هایشان پنهان می‌دارد بزرگتر است. ما برای شما نشانه‌های (حال آنها) را روشن کردیم اگر می‌اندیشید. «بطانه» درآیه شریفه ذکر شده، کسی را گویند که انسان به او اطمینان کامل داشته باشد واسرار خود را با او در میان بگذارد وهیچ گونه رازی را از او پنهان ندارد.

ضعف، زبونی و سقوط مسلمانان کمال آرزوی آنان است و هرچه مسلمانان ضعیف تر باشند بیگانگان بهتر می توانند از آنان بهره برداری کنند. قرآن به این نکته حساس توجه نموده و مسلمانان را بر حذر داشته و می گوید:« یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا لا تَتَّخِذُوا الْیَهُودَ وَ النَّصاری أَوْلِیاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِیاءُ بَعْضٍ وَ مَنْ یَتَوَلَّهُمْ مِنْکُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لا یَهْدِی الْقَوْمَ الظَّالِمین»(مائده،۵۱) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! یهود و نصاری را ولّی (و دوست و تکیه‌گاه خود،) انتخاب نکنید! آنها اولیای یکدیگرند؛ و کسانی که از شما با آنان دوستی کنند، از آنها هستند؛ خداوند، جمعیّت ستمکار را هدایت نمی‌کند.

قرآن در عین حال با خوشرفتاری و دلسوزی نسبت به بیگانگان مخالف نیست، بلکه مسلمانان را از نظر اخلاقی به بشر دوستی و نوع پروری و حسن عمل با سایر ملل دعوت کرده است. بلاخره استقلال سیاسی یکی از پایه های اساسی سیاست خارجی در قرآن است زیرا با استقلال سیاسی است که می‌توان فرهنگ و اقتصاد را که دو رکن بزرگ حیات اجتماع است در مسیر ترقی ملت قرار داد و جامعه را رو به تکامل برد تکامل ملت به تکامل فرهنگ و اقتصاد است وآن بسته به رهبری درست سیاسی و بسته به استقلال کامل سیاسی است.

۳- تحکیم و توسعه قدرت و اقتدار درسطح بین الملل

دستیابی به منافع ملی و حراست از تمامیت ارضی، سیاسی و اقتصادی در دستور کار سیاست گزاران خارجی نظام قرآنی قراردارد. از این رو، باید نهایت تلاش‌ها صورت پذیرد تا منافع مردم به بهترین نحو تامین‌گردد وامنیت جان، مال و عرض آنها محفوظ بماند. اگر به این وظیفه سترگ توجه نشود پایه‌های نظام اسلامی را روز به روز سست تر خواهدشد و این مهم نیاز مند داشتن قدرت و اقتداراست.

قدرت، نفوذ و اقتدار واژه‌های هستند که در دنیای سیاست بسیار شنیده می‌شوند، اما استفاده از آن منحصر به این قلمرو نیست، در تمام سطوح زندگی اجتماعی با عامل قدرت سروکار داریم.(کاظمی،۱۳۷٦: ۱۵۹) ماکس‌وبر و مورگنتا، از اندیشمندان سیاسی سنت گرا قدرت را در مفهوم عام و کلی، هم به عنوان غایت و هم وسیله سیاست تلقی کرده‌اند. در این تعبیر قدرت صرفا به میزانی اقتدار و توانایی یک طرف در به اطاعت در آوردن طرف دیگراست.(گالبرایت،۲۳،۱۳۷۰) به طورکلی شاید بتوان گفت قدرت در سیاست خارجی و روابط بین الملل همان چیزی است که که یک دولت در نیل به اهداف خارجی خود از آن بهره می‌گیرد.

دولت اسلامی می‌خواهد به اقتدار برسد تا اهداف و وظایف غایی دیگری را محقق سازد.(حقیقت، ۱۳۸۵: ۱۸٦) حفظ تمایت ارضی و ایجاد امنیت از قدیمی‌ترین اهداف و وظایف دولت و انگیزه اولیه تشکیل حکومت در تاریخ بشر بوده است، این مقصود باقدرت نظامی حاصل می‌شود.

خداوند در قرآن مسلمانان را به ایجاد چنین قدرتی سفارش می‌کند: «وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِباطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُم».(انفال،٦۰) هرچه در توان دارید از نیرو و اسب های آماده، بسیج کنید تا (با این تدارکات) دشمن خدا ودشمن خودتان را بتر سانید.

به طور خلاصه می‌توان گفت پیشبرد غالب وظایف نظام اسلامی در سیاست خارجی تابع از قدرت و اقتدار آن دولت می‌باشد، و تفاوت آن با دولت‌های ملی آن است که آنها قدرت را تکیه گاه و دست یابی به منافع ملی می‌دانند، اما دولت اسلامی قدرت و اقتدار را تکیه گاه مسئولیت‌های ارزشی منافع متقابل تلقی می‌کند.(حقیقت،۱۳۸۵: ۱۹۲)

٤- همکاری در مسائل بین المللی

همکاری و تعاون، برای زندگی اجتماعی ضرورت است، زندگی اجتماعی و نظام بین المللی بدون همکاری در ابعاد گوناگون سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ممکن نیست. برای حل مشکلات روز افزون جهانی، چاره‌ای جز مشارکت وجود ندارد. قرآن بر تعاون که اصل عقلانی نیز به شمار می رود، تأکید کرده است.« وَ تَعاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوى وَ لا تَعاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوان»(مائده،٢)

٥- احترام به پیمان‌ها

قرآن در مواردی متعددی عمل به پیمان ها و وعده ها را لازم وواجب می شمارد چنانکه می- فرماید:« وَ أَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كانَ مَسْؤُلا»(اسراء:٣٤) پیامبر اسلام(ص) فرموده «لادین لن لاعهدله»(مجلسی،ج٦١،١٣٦٧ :١٤٤)کسی که به عهد و پیمان خود پایبند نیست از دین و ایمان بهره‌ای ندارد.

ب) وظایف نظام قرآنی در سیاست داخلی

در حوزه سیاست داخلی نیز نظام قرآنی بر اساس جهان‌بینی و نگاهی که به انسان و جهان دارد، برای نظام سیاسی و حاکمان جامعه، اهداف و وظایفی در نظر گرفته است. تا بدین‌سان، نظام سیاسی مورد نظر قرآن، جامعه را به سمت آرمان‌های مطلوب هدایت کند، که به اهم این وظایف می پردازیم:

١- حفظ امنیت درونی جامعه

یکی از مهم‌ترین وظایف هر دولتی، استقرار امنیت داخلی و خارجی کشور می‌باشد، تا جایی که بسیاری، فلسفه تشکیل دولت را برقراری امنیت دانسته‌اند. ابن‌خلدون پس از تشریح علت شکل‌گیری جامعه می‌گوید:

هرگاه این اجتماع برای بشر حاصل آید و آبادانی جهان به وسیلهٔ آن انجام پذیرد، ناگزیر باید حاکمی در میان آنان باشد تا از تجاوز دسته‌ای به دسته دیگر جلوگیری کند؛ زیرا تجاوز در طبیعت حیوانی بشر است.(ابن خلدون،١٣٤٧،ج١: ٧٧)

به دلیل وجود طبیعت تجاوزگری بشر، نظامی مقتدر لازم است تا مانع از تجاوز قدرتمندان بـه ضعیفان شود، امنیت را در دو بُعد مورد بحث است:

الف) امنیت داخلی:

منظور از امنیت داخلی، استقرار نظم و تأمین آسایش عمومی و امنیت در داخل مرزهای کشور است.

ب) امنیت خارجی:

یکی دیگر از مهم‌ترین وظایف دولت اسلامی، تضمین امنیت خارجی، یعنی استقلال، تمامیـت ارضی و حفظ منافع کشور اسلامی در سطح جهان است.

یکی از مهم ترین دلایلی هم که باعث پیدایش سکونت گاه‌هـا و شـهرها شـده، نیـاز مشـترک انسان‌ها به امنیت بوده است، امنیت یعنی دور بودن از خطراتی که علیه منافع مادی(جان، مال، سرزمین و...) و ارزش‌های معنوی (دین، فرهنگ، اعتقادات و ...) ما وجود دارد.

امنیت از نیازهای اساسی بشر است، به طوریکه بدون برخورداری ازآن، اهداف مهم بشر مانند عدالت وآزادی، رشد و پیشرفت علمی و معنوی، به دست نمی‌آید. از این رو تلاش برای وضع قانون، تشکیل حکومت و برقراری نظم در جامعه برای تأمین این نیاز اساسی انجام گرفته است که از وظایف مهم حکومت است. فزون خواهی، طمع، قدرت طلبی، کینه و حسد از جمله عوامل تجاوز به حقوق دیگران است که همواره در میان بشر بوده و خواهد بود، برای مهار آن علاوه بر دستورهای اخلاقی که در مکاتب الهی برآن تأکید شده، قوانین ومقررات اجتماعی وضع می‌شود.

امنیت سیاسی به معنای تأمین آرامش و طمأنینه لازم توسط حاکمیت یک کشور برای شهروندان قلمرو خویش، از راه مقابله با تهدیدات مختلف خارجی و همچنین تضمین حقوق سیاسی آنان، جهت مشارکت در تعیین سرنوشت اجتماعی و سیاسی آنها می باشد. نظام سیاسی در راستای امکان بخشی و تسهیل مشارکت و دخالت مردم در تعیین سرنوشت خود و جامعه می بایستی امنیت و حضور آزادانه و برابر ایشان را فراهم آورد و هیچ کس را به داشتن باور سیاسی خاصی وادار یا بازداشت نکند، امنیت یکی از وظایف حکومت است.

از قرآن ابعاد وسیع وگوناگون امنیت مورد نیاز شهروندان استفاده می‌شود. ممنوعیت تصرف در اموال دیگران بدون اجازه مالک، حرمت کم فروشی، اجحاف وگران فروشی، احتکار، کلاه برداری، گرفتن رشوه، همگی برای تأمین امنیت مالی واقتصادی شهروندان است، حرمت جان، روان وآبروی افراد از تأکیدات اسلام است.

فرهنگ اسلامی مسلمانان را پیکر واحد می‌داند، در اسلام مرزهای جغرافیایی رسمیت ندارد، بلکه مرزهای عقیدتی است که انسان هارا از هم جدا می‌کند.(جواد ورعی، ۱۳۸۱: ۵۳۷) دولت اسلامی دنبال امنیت «امت اسلامی» است یعنی امنیت تمام مسلمانان، در قرآن و روایات به گستردگی به امنیت اشاره شده است. البته صورت فارسی و عربی ای کلمه به اشکال «امنیت» و «امنیه» در متون اسلامی موجود نیست و بیشتر با عبارات و مشتقاتی از ثلاثی مجرد «آمِنَ» از آن یاد شده است و در مجموع از ریشه یا کلمه «أمن»، ٦٢ کلمه مشتق و حدود ۸۹۷ بار در قرآن به کار رفته که از این تعداد، ۳۵۸ مورد در آیات مکی و ۵۲۱ مورد در آیات مدنی استفاده شده است.(روحانی،١٣٦٨: ٢٢٣)

حضرت ابراهیم از خدا خواست : خدایا ! مکه را امن قرار بده «رَبِّ اجْعَلْ هذا بَلَداً آمِناً»(بقره،١٢٦) خداوند هم این دعا را مستجاب کرد. فرمود«مَنْ دَخَلَهُ کانَ آمِناً»(آل عمران،۹۷) شهر امن شهری است که می‌شود به آن قسم خورد: «وَ هذَا الْبَلَدِ الْأَمِینِ»(تین،۳) یعنی امنیت، شهر را به جایی می‌رساند که آدم بتواند به آن شهر قسم بخورد، امنیت می‌تواند چیزی را مقدس‌کند. لذا است هنگامی که حضرت یعقوب به مصر می آید به اوگفته می‌شود: «فَلَمَّا دَخَلُوا عَلی یُوسُفَ آوی إِلَیْهِ أَبَوَیْهِ وَ قالَ ادْخُلُوا مِصْرَ إِنْ شاءَ اللَّهُ آمِنِینَ» و هنگامی که بر یوسف وارد شدند، او پدر و مادر خود را در آغوش گرفت، و گفت: «همگی داخل مصر شوید، که انشاء اللّه در امن و امان خواهید بود!» تأمین امنیت، پس از تأمین معیشت، نعمت‌هایی که خدا به بشر داده، بعد از غذا، نعمت امنیت را بیان کرده است:«أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَ آمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ»(قریش،٤) «فَلْیَعْبُدُوا رَبَّ هذَا الْبَیْتِ»(قریش،۳) یعنی عبادت کنید، برای اینکه من شما را از گرسنگی نجات دادم، «وَ آمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ» از خوف و ترس هم شما را امنیت دادم. یعنی خداوند دو تا نعمت را برجسته می‌کند و از مردم می‌خواهد که عبادت کنید، «فلیعبدوا» باید مردم عبادت کنند. خدا چه کرده که ما بندگی اورا بکنیم؟ می‌گوید: رزقت دادم، تو را از قحطی نجات دادم، امنیّتت دادم. یعنی بعد از آب و نان، نعمت امنیت بالاترین نعمت

است.

۲- تعلیم وتربیت همگانی

از دیگر وظایف حکومت قرآنی تعلیم و تربیت است، «و یزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمهٔ».(جمعه،۲) آموزش و گسترش معارف دینی و علومی که جامعه بدان نیاز مند است، وظیفه نظام قرآنی است. قرآن برای دانش مقام ارجمندی قرار داده و کسب دانش را فریضه عمومی اعلام نموده است.(زمر:۹، مجادله،۱۱) لذا تعلیم و تربیت افراد جامعه یک امر حیاتی است، کلیه اهدافی یک نظام سیاسی و وظایفی که باید در راستای وصول به آن اهداف انجام شود، بدون وجود نیروهای متخصص و توانمند، امکان پذیر نمی‌باشد. لذا از وظایف دولت در برابر شهروند آن است که برای تربیت نسل جامعه تلاش کند. اصلاح جامعه و جلوگیری از فساد و یا گسترش آن از وظایف دولت است که قرآن بدان اشاره دارد. «وَ إِذا تَوَلَّی سَعی فِی الْأَرْضِ لِیُفْسِدَ فیها وَ یُهْلِکَ الْحَرْثَ وَ النَّسْلَ وَ اللَّهُ لا یُحِبُّ الْفَسادَ»(بقره، ۲۰۵) حفظ نسل و توجه به آموزش و تربیت کودکان و نوجوانان از مهم ترین وظایف دولت اسلامی است. آموزش ها به گونه‌ای باشد که هویت اسلامی نوجوانان و جوانان حفظ شود. البته در آیات قرآن از حفظ نسل به مفهوم کلی و گسترده آن سخن رفته است که هم به بخش تشویق مردم به تولید نسل است و هم به معنای محافظت بر اصول اسلامی، آموزش و تربیت آنان است.

پیامبر بزرگ، ابراهیم خلیل آنجا که پایه های کعبه را بالامی برد، از خداوند می‌خواهد برای ذریه وفرزندان او، کسی را مبعوث گرداند، تا تربیت نموده واز انواع پلیدی ها پاک نماید. «رَبَّنا وَ ابْعَثْ فیهِمْ رَسُولاً مِنْهُمْ یَتْلُوا عَلَیْهِمْ آیاتِکَ وَ یُعَلِّمُهُمُ الْکِتابَ وَ الْحِکْمَةَ وَ یُزَکِّیهِمْ إِنَّکَ أَنْتَ الْعَزِیزُ الْحَکِیمُ» (بقره،۳۹)پروردگار ما، و به میان آنان پیامبری از خودشان برانگیز تا آیات تو را بر آنان تلاوت کند و به ایشان کتاب (آسمانی) و حکمت بیاموزد و پاکیزه شان کند زیرا که مقتدر حکیم توی.

در اهمیت وضرورت علم ودانش همین کافی است که در نخستین سوره ای که بر پیامبر نازل شده ارزش علم ودانش را بازگو نموده است: «اقْرَأْ باسْمِ رَبِّکَ الَّذی خَلَقَ، خَلَقَ الْإِنْسانَ مِنْ عَلَقٍ، اقْرَأْ وَ رَبُّکَ الْأَکْرَمُ، الَّذی عَلَّمَ بِالْقَلَمِ، عَلَّمَ الْإِنْسانَ ما لَمْ یَعْلَمْ»(علق،۱-۵) به نام

پروردگارت که (جهان را) آفرید، همان کس که انسان را از خون بسته‌ای خلق کرد! بخوان که پروردگارت (از همه) بزرگوارتر است، همان کسی که بوسیله قلم تعلیم نمود، و به انسان آنچه را نمی‌دانست یاد داد.

وظایف دولت اسلامی در ارتباط با تعلیم و تربیت به معنای عام، زمینه سازی و تمهید مقدمات برای ایجاد تغییرات مطلوب در اندیشه و احوال و اعمال یکایک مردم است .هر دولتی موظف است همانند هر فرد مسلمان در حوزه اصلاح فردی (تزکیه) و اجتماعی تلاش کند و جلوی هرگونه فساد و تباهی و پدیده های ناهنجار اجتماعی را بگیرد این مساله همان چیزی است که امام حسین(ع) آن را انگیزه قیام خود برشمرده است و می فرماید. «انما خرجت لطلب الاصلاح امت جدی»؛ من تنها برای اصلاحات در رفتار و هنجارهای امت جدم قیام کرده و خروج بر دولت ظالم نموده ام.

بنابراین اصلاح جامعه و جلوگیری از فساد و یا گسترش آن از وظایف دولت اسلامی است که قرآن در آیه ۲۰۵ سوره بقره بدان اشاره دارد .«وَ إِذا تَوَلَّی سَعی فِی الْأَرْضِ لِیُفْسِدَ فیها وَ یُهْلِکَ الْحَرْثَ وَ النَّسْلَ وَ اللَّهُ لا یُحِبُّ الْفَسادَ» و چون از حضور تو دور شود کارش فتنه و فساد در زمین است و بکوشد تا حاصل خلق به باد فنا دهد و نسل (بشر) را قطع کند؛ و خدا فساد را دوست ندارد.

حفظ نسل و توجه به آموزش و تربیت کودکان و نوجوانان از مهم ترین وظایف دولت اسلامی است. باید آموزش ها به گونه ای باشد که هویت اسلامی نوجوانان و جوانان حفظ شود. البته در آیات قرآن از حفظ نسل به مفهوم کلی و گسترده آن سخن رفته است که هم به بخش تشویق مردم به تولید نسل است و هم به معنای محافظت بر اصول اسلامی و آموزش و تربیت آنان است. حفظ نسل از آن رو ضروری است که بدون نسل امت از میان می رود و بدون آموزش و ایجاد بسترهای لازم جامعه پذیری جامعه دچار بحران هویت می‌شود، از این روست که قرآن بر حفظ نسل تاکید می ورزد.

روان شناسان عوامل سازنده رشد و تکامل شخصیت را در سه عامل اساسی خلاصه می‌کند وراثت، فرهنگ، محیط قرآن به هر سه عامل اهمیت فراوان داده است و برای هریک بر نامه کامل و دقیقی تنظیم نموده است. طبق قانون وراثت بسیاری از خصوصیات و اوصاف والدین

از راه وراثت به به فرزندان منتقل می‌شود و در رشد وتکامل شخصیت آنان اثر می‌گزارد. قرآن این حقیقت را به صورت کنایه آمیز در ضمن مثالی بیان می کند« وَ الْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرُجُ نَباتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَ الَّذي خَبُثَ لا يَخْرُجُ إِلاَّ نَكِداً كَذلِكَ نُصَرِّفُ الْآياتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ»(اعراف،۵۸) سرزمین پاکیزه، گیاه آن بفرمان پروردگارش در آید و زمینی که ناپاک است [گیاه آن] جز بسختی درنیاید. بدینسان، نشانه‌ها را برای گروهی که سپاس می‌دارند بیان میکنیم. «وَ قالَ نُوحٌ رَبِّ لا تَذَرْ عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكافِرِينَ دَيَّاراً. إِنَّكَ إِنْ تَذَرْهُمْ يُضِلُّوا عِبادَكَ وَ لا يَلِدُوا إِلاَّ فاجِراً كَفَّاراً»(نوح،۲۶-۲۷) نوح گفت: «پروردگارا! هیچ یک از کافران را بر روی زمین باقی مگذار. چرا که اگر آنها را باقی بگذاری، بندگانت را گمراه می‌کنند و جز نسلی فاجر و کافر به وجود نمی‌آورند.

این آیات نشان می‌دهند که در نظر قرآن فرزندان، وارث صفات پسندیده ویا نا پسند والدین خود خواهند بود.(جعفر سبحانی،۱۳۷۰: ٤٦٨)

مدرسه و معلم مهمترین اثر را در رشد و تکامل شخصیت افراد دارد، زیرا کودک نخستین دوران زندگی فکری خود را در مدرسه می‌گذراند این معلم است که به آنها درس شخصیت و عزت نفس بدهد. امام علی (ع) به فرزندش امام حسن فرمود:«انما قلب الاحداث كالارض الخاليه ما القىَ فيها من شيٍ قبلته فبادرتک بالادب قبل ان يقسو قلبک ويشغلُ لبک»(نوری،۱۳۸۲: ۷۱) قلب کودک مانند زمینی خالی از بذر وگیاه است. هرتخمی که در آن افشانده شود، به خوبی می پذیرد ودر خود می پرود. فرزندم از دوران کودکی در پرورش تو قیام کردم پیش از این که دل تربیت پذیر تو سخت شود ومطالب گوناگون عقلت را اشغال نماید.

محیط عامل دیگری که در ساختن شخصیت انسان اثری بسیار عمیق دارد، بنابراین محیط پاک وسالم در شخصیت انسان اثر نیکویی دارد و بر عکس محیط فاسد افراد را آلوده و فاسد بار می‌آورد. قرآن در باره تأثیر محیط روی صفات و اخلاق وتکوین شخصیت انسان، برای ما مثال می‌زند:« ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلاً لِلَّذينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَ امْرَأَتَ لُوطٍ كانَتا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبادِنا صالِحَيْنِ فَخانَتاهُما فَلَمْ يُغْنِيا عَنْهُما مِنَ اللَّهِ شَيْئاً وَ قيلَ ادْخُلاَ النَّارَ مَعَ الدَّاخِلين»(تحریم،۱۰) خداوند برای کسانی که کافر شده‌اند به همسر نوح و همسر لوط مثل

زده است، آن دو تحت سرپرستی دو بنده از بندگان صالح مـا بودنـد، ولـی بـه آن دو خیانـت کردند و ارتباط با این دو (پیامبر) سودی به حالشان (در برابر عذاب الهی) نداشت، و بـه آنهـا گفته شد: «وارد آتش شوید همراه کسانی که وارد می‌شوند!

بنابراین به طور خلاصه یکی از وظایف دولت در اسلام وقرآن آموزش و پرورش است.

۳ - برقراری عدالت اجتماعی

با توجه به این که در نگرش اسلامی، تشکیل حکومت، به هدف دستیابی بـه عـدالت اسـت و همین ارزش، راهبرجامعه اسلامی به سوی سعادت می‌باشد، عـدالت بـه معنـی واقعـی کلمـه آنـست که هرچیزی در جای خود باشد، بنابراین هرگونه انحـراف، افـراط، تفـریط، تجـاوز بـه حقوق دیگران برخلاف اصل عدالت است، اقامه عدالت یکی از وظایف بعثت پیامبران است و از دیدگاه قرآن، ارسال رسل انزال کتب برای برقراری قسط و عـدل بـوده اسـت«لَقَـدْ أَرْسَـلْنا رُسُلَنا بِالْبَيِّناتِ وَ أَنْزَلْنا مَعَهُمُ الْكِتابَ وَ الْميزانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»(حدید،۲۵) ما پیامبران خود را همراه با دلایل ومعجزات روشن (به میان مردم) روانه کردیم. و به آنان کتـاب‌هـا و مـوازین (شناسائی حق وعدالت) نازل فرمودیم تا مردم داد گرانه رفتارکنند.

وبه سه چیز به عنوان مقدمه اقامه عدل اشاره می‌کند بـه معنـی دلایـل روشـن اسـت، وشـامل معجزات و دلایل عقلی حقانیت دعوت «بینات» انبیا واخبار انبیای پیشین مـی‌شـود. اشـاره بـه کتب آسمانی است و شامل بیان معارف، عقاید، احکام واخلاق؛ «کتاب»است. به معنی قـوانینی است که معیار سنجش نیکی‌ها از بدی‌ها، و ارزش‌ها از ضد ارزش هـا وحـق از باطـل اسـت. تجهیز انبیای الهی با این سه نیرو به آن ها امکان می‌دهد که بتوانند انسان‌ها را برای اقامه عـدل بسیج کنند. «وَ أُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ»(شوری،۱۵) و به من دستور داده شده تا در میـان شـما داد گری کنم. «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسانِ»(نحل،۹۰) خداوند به دادگری ونیکی دسـتور مـی‌دهد. عدالت در قرآن صورت‌ها و گونه های مختلفی دارد، مانند عدالت در گفتـار، عـدالت در معاملات، عدالت در امورخاص، عدالت در قضاوت حتی در برابر دشمنان و...

عدالت همواره به مثابه ارزش فردی و اجتماعی، مورد تقدیس قرار می‌گیـرد مهم‌تـرین تفـاوت بین نگرش نظریه‌پردازان مدرن به حکومت و نگرش قرآن این است که، در دیـدگاهای دوران مدرنیته مقولهٔ خیر، سعادت و هدایت امری فردی و خـارج از قلمـرو حکومـت اسـت. امـا از

دیدگاه قرآن، هدف اصلی و نهایی حکومت فراهم ساختن زمینه هدایت و وصول به سعادت و کمال نهایی انسان است و تفاوت رویکرد قرآنی با رویکرد لیبرال که به آزادی می پردازد در همین جا نهفته است، همان گونه که بر دولت حفظ وحدت وایجاد اتحاد با داوری درست در میان ایشان واجب و ضروری است مساله داوری در میان آنان برپایه اصول حق از دیگر وظایف آن است. خداوند در آیه ٢٦ سوره «ص» با اشاره به حکومت داود(ع) توضیح می‌دهد که وی از سوی خداوند ماموریت یافت تا در میان مردم به حق داوری نماید و اصول عدالت را مراعات نماید. در همین رابطه در سوره یوسف تأکید می‌شود که، بر ایشان است تا از مجازات بی‌گناهان به جای گناهکاران جلوگیری به عمل آورده و نگذارند که حقوق شهروندی کسی پایمال شود و حقی نادیده گرفته شود.(یوسف،٧٨-٧٩)

قرآن برای تأمین عدالت اجتماعی، تمامی امتیازات دروغین طبقاتی را حذف و اختلاف طبقاتی را در هرقیافه که باشد محکوم می‌کند.«وَ الَّذینَ یَکْنِزُونَ الذَّهَبَ وَ الْفِضَّةَ وَ لا یُنْفِقُونَها فی سَبیلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذابٍ أَلیم»(توبه،٣٤) و کسانی که طلا و نقره گنجینه می‌کنند و آن را در راه خدا انفاق نمی‌کنند به عذاب دردناکی بشارتشان ده.

٦ - تدبیر امور اقتصادی

قرآن کریم تدبیر امور اقتصادی را از وظایف مهم نظام سیاسی دانسته «أَمْ لَهُمْ نَصیبٌ مِنَ الْمُلْکِ فَإِذاً لا یُؤْتُونَ النَّاسَ نَقیراً»(نساء،٥٣) آیا ایشان را بهره‌ای از فرمانروایی است؟ که در آن صورت سر سوزنی به کسی (چیزی) نمی‌دهند.« قالَ اجْعَلْنی عَلی خَزائِنِ الْأَرْضِ إِنِّی حَفیظٌ عَلیم» (یوسف،٥٥) (یوسف) گفت: مرا بر گنجینه‌های این سرزمین بگمار که من نگاهبانی دانایم. بر لزوم اهتمام حکومت بر برنامه ریزی، محاسبه و پیش بینی شرایط اقتصادی تاکید می کند.(یوسف،٤٧ و٤٨) پس قرآن متناسب و متعادل ساختن همه فعالیت‌های اقتصادی و مادی افراد جامعه از وضایف حکومت است، در حوزه آسایش و رفاه نیز قرآن تدبیر امور اقتصادی را از وظایف مهم دولت و حکومت اسلامی دانسته است. (نساء،٥٣ و یوسف٥٥)

اقتصاد از نظر قرآن هدف نیست بلکه وسیله ای است، محیط را آماده نگه می‌دارد تا امور فکری، روحی واخلاقی در آن رشد کند.«وَابْتَغِ فیما آتاکَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَ لا تَنْسَ نَصیبَکَ مِنَ الدُّنْیا وَ أَحْسِنْ کَما أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَیْکَ وَ لا تَبْغِ الْفَسادَ فِی الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لا یُحِبُّ

الْمُفْسِدين»(قصص،۷۷) و در آنچه خدا به تو داده، سرای آخرت را بطلب؛ و بهره‌ات را از دنیا فراموش مکن؛ و همان‌گونه که خدا به تو نیکی کرده نیکی کن؛ و هرگز در زمین در جستجوی فساد مباش، که خدا مفسدان را دوست ندارد.

فرق اساسی میان اسلام با نظام های کمونیستی و سرمایه داری این است که اسلام اقتصاد را یکی از ارکان مهم زندگی انسان می داند که با عوامل دیگر، سعادت انسان را تأمین می‌کنند، اسلام اما هرگز به اصالت اقتصاد معتقد نیست وآن رازیر بنا نمی‌داند.(سبحانی،۱۳۷۰: ٥٤٤) قرآن کریم علاوه بر این که بر تولید تأکید دارد بر توزیع نیز اهمیت می دهد واز وظایف دولت است که بر توزیع در آمدها نظارت داشته باشد،« كَيْ لا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِياءِ مِنْكُمْ»(حشر،۷) تا اموال منحصرا در دست ثروتمندان در گردش نباشد.

از وظایف دولت در حوزه اقتصادی، مهار تولید و توزیع ارزاق عمومی و نیازهای ضروری انسان و جوامع بشری در شرایط بحرانی و شرایطی است که گمانه بحران می‌رود. (یوسف،٤٧)در حوزه اقتصادی به ویژه کشاورزی که رزق و روزی مردم را تامین می‌کند اهتمام داشته و برای آن برنامه ریزی دقیق ارایه دهند و برحفظ و گسترش آن بکوشند. (بقره،۲۰۵)

حکومت اسلامی نظارت کامل داده است تا از منابع اجتماعی دفاع کرده و با وسایل علمی و تجربی از پیدایش بحرانها جلوگیری نماید. حتی حکومت اسلامی می‌تواند صنایع بزرگ و مادر و معادن بزرگ و تأمین نیرو و سد ها و شبکه آب رسانی، پست، تلفن، راه آهن، کشتیرانی را به صورت مالکیت عمومی در اختیار خود بگیرد، تا افراد تا افراد به صورت نا محدود نتوانند از آنها به نفع خود بهره برداری نمایند.(سبحانی،:٥٦٢) فَلِذلِكَ فَادْعُ وَ اسْتَقِمْ كَما أُمِرْتَ وَ لا تَتَّبِعْ أَهْواءَهُمْ وَ قُلْ آمَنْتُ بِما أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتابٍ وَ أُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ اللَّهُ رَبُّنا وَ رَبُّكُمْ (شوری،۱۵) پس به همین خاطر تو نیز آنان را به سوی این آیین واحد الهی دعوت کن و آن چنان که مأمور شده‌ای استقامت نما، و از هوی و هوسهای آنان پیروی مکن، و بگو به هر کتابی که خدا نازل کرده ایمان آورده‌ام و مأمورم در میان شما عدالت کنم؛ خداوند پروردگار ما و شماست.

در مجموع قرآن دولت‌ها و حاکمانی که به عدالت اجتماعی بی توجه و به وضعیت اقتصادی

جامعه و امت بی توجه است را سرزنش و نکوهش می‌کند. (نساء۵۳)

۷ - ظلم ستیزی

مبارزه با ظلم و ستم از دیگر وظایف ومسئولیت‌های حکومت از منظر قرآن است، قرآن بیان می‌دارد که بر حکومت های الهی است تا با ظلم و ستم مبارزه کنند و برای سبک بار ساختن مقررات اجتماعی و تسهیل امور مردم تلاش نمایند، از تشدید قوانین سخت جلوگیری نمایند و در اعمال قانون مراعات احسان و عفو را در نظر داشته باشند. (کهف،۸۷ و۸۸) در اندیشه و بینش قرآنی، دولت و حکومت اسلامی باید فراتر از امت و شهروند به انسان ها و بشریت بیاندیشد. از این رو قرآن از وظایف دولت و حکومت اسلامی تلاش برای نجات مستضعفان دانسته است و از دولت‌ها می‌خواهد که برای رهایی مردم از ظلم و ستم حاکمان در هر گوشه‌ی جهان تلاش و کوشش کنند.

خداوند در آیه ۷۵ سوره نساء می‌فرماید که چه شده است که در راه خدا و برای نجات و رهایی مستضعفان از ظلم و ستم حاکمان ستمگر تلاش نمی‌کنید؟ بر امت و دولت اسلامی است که علیه دولت‌های ظالم و ستمگر به جهاد برخیزد و برای مردمانی که دست کمک به سوی ایشان دراز کرده اند یاری رساند.

«وَ إِنْ طائِفَتانِ مِنَ الْمُؤْمِنينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُما فَإِنْ بَغَتْ إِحْداهُما عَلَى الْأُخْرى فَقاتِلُوا الَّتي تَبْغي حَتَّى تَفيءَ إِلى أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُما بِالْعَدْلِ وَ أَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطينَ» (حجرات،۹) و هرگاه دو گروه از مؤمنان با هم به نزاع و جنگ پردازند، آنها را آشتی دهید؛ و اگر یکی از آن دو بر دیگری تجاوز کند، با گروه متجاوز پیکار کنید تا به فرمان خدا بازگردد؛ و هرگاه بازگشت (و زمینه صلح فراهم شد)، در میان آن دو به عدالت صلح برقرار سازید؛ و عدالت پیشه کنید که خداوند عدالت پیشگان را دوست می‌دارد.

یکی از مصادیق مبارزه باظلم داوری دادگرانه است؛ «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَماناتِ إِلى أَهْلِها وَ إِذا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ»(نساء،۵۸) خداوند به شما فرمان می‌دهد که امانتها را به صاحبانش بدهید! و هنگامی که میان مردم داوری می‌کنید، به عدالت داوری کنید! این داوری داد گرانه که نص قرآنی به صورت مطلق بیان فرموده است، داوری دادگرانه ای است که درمیان همه‌ی مردمان انجام پذیرد و همگان را فراگیرد، تنها دادگری مسلمانان در

حق همدیگر نیست. بلکه دادگری حق هر انسانی است که واژه«الناس» براو اطلاق مـی‌گـردد، واین واژه همه انسان ها را دربر می‌گیرد، مؤمنان وکافران، دوستان ودشمنان، سیاهان وسفیدان، عرب‌ها و غیرعرب ها.

۸ - اجرای حدود و احکام الهی

از دیگر وظایف حکومت اسلامی، اجـرای حـدود و احکـام الهـی اسـت. بسـیاری از احکـام اسلامی نیاز به قدرت اجرایی دارد. اجرای احکام کیفری اسلام، مانند حدود، دیات، قصاص و نیز فریضهٔ والای جهاد با دشمنان دین و دفاع از سـرزمین و حقـوق مسـلمانان، بـدون وجـود حکومت و نیروی اجرایی با اقتدار میسر نیست. امـر بـه معـروف و نهـی از منکـر، در برخـی مراتب آن نیز نیازمند قدرت اجرایی است، از این‌رو، از اهداف حکومت اسلامی اجرای احکام و تطبیق حدود الهی است. قرآن در این باره می‌فرماید:«الَّذینَ إِنْ مَکَّنَّـاهُمْ فِـی الْـأَرْضِ أَقـامُوا الصَّلاةَ وَ آتَوُا الزَّکاةَ وَ أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْکَرِ وَ لِلَّهِ عاقِبَةُ الْـأُمُورِ»(حج،٤١) مؤمنـان کسانی‌اند که اگر آنان را در زمین قدرت دهیم، نماز را بپا دارند و امـر بـه معـروف و نهـی از منکر نمایند و سرانجام کارها به دست خدا است.

بنابراین، زمینه‌سازی صحیح و معقول برای دین داری و بندگی خـدا و اقامـهٔ نمـاز، وظیفـه‌ای است که خداوند به عهدهٔ جامعه سیاسی دینی، به خصوص حکومت اسـلامی گذاشـته اسـت. البته معنای اجرای حدود الهی، اجبار و اکراه به پذیرش عقاید و احکام اسلامی نیست.

۹ - حفظ بهداشت عمومی

شکی نیست که بهداشت فردی، اجتماعی، ایجاد محیط سالم وامکـان معالجـه بیمـاری بـرای عموم از وظایف حکومت قرآنی است، دولت اسلامی موظف است برای این کـار در بخـش-های طب بهداشتی یا مبارزه با عوامل پیدایش بیماری و طـب درمـانی یـا راه درمـان بیمـاری برنامه ریزی نماید، دولت اسلامی جهت پیشـگیری از عوامـل بیمـاری، درمـان و ریشـه کنـی بیماریها برنامه مراقبت بهداشتی در تمام کشور اجراکند، یعنی به نظافت خیابان‌هـا، کوچـه‌هـا، ومراکز عمومی شهرها اهمیت قائل شود و از مهمانسراها، هتلهـا، مسـافرخانه‌هـا، اسـتخرهـا، حمام‌های عمومی، فروشگاه‌های مواد غذایی، قصابی‌ها، نـانوائی‌هـا و سـالن‌هـای غـذاخوری،

مراقبت نماید. در راه درمان و ریشه‌کنی بیماریها، باید پزشک و وسایل علاج از قبیل دارو در مانگاه، بیمارستان و مراکز بهداشتی جهت بهداشت عمومی، وظیفه دولت اسلامی است.(سبحانی، ۱۳۷۰: ۵۹۹)

لذا در قرآن صرفا به معنویات وامور اخروی توجه نشده بلکه به جنبه‌های مادی و لذایزی طبیعی نیز کمال عنایت وتوجه را دارد، و به پیروان خود دستور داده است که از خداوند سعادت دنیا وآخرت را در خواست نمایند آنجا که فرموده:«رَبَّنا آتنا فِی الدُّنْیا حَسَنَةً وَ فِی الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنا عَذابَ النَّار» پروردگارا به ما هم حسنه در دنیا بده و هم حسنه در آخرت و ما را از عذاب آتش حفظ کن.

اسلام برای ریشه کن کردن بیماری از کشور اسلامی و عموم مسلمین برنامه ای حکیمانه ای وضع کرده است برای مثال در کتاب های بحار الانوار مجلسی و وسائل الشیعه حرعاملی فصل های مختص به حفظ بهداشت وطیب می یابیم که احادیث فراوانی در این زمینه آمده که بیانگر وظیفه دولت در زمینه بهداشت در جامعه است.(شیرازی، ۱۳۹۰: ۱۸۷)

در قرآن مجید از خوردن گوشت مردار و چیزهای که شبیه مردار است گوشت خوک نهی نموده« حُرِّمَتْ عَلَیْکُمُ الْمَیْتَةُ وَ الدَّمُ وَ لَحْمُ الْخِنْزِیرِ وَ ما أُهِلَّ لِغَیْرِ اللَّهِ بِهِ وَ الْمُنْخَنِقَةُ وَ الْمَوْقُوذَةُ وَ الْمُتَرَدِّیَةُ وَ النَّطِیحَةُ وَ ما أَکَلَ السَّبُعُ إِلاَّ ما ذَکَّیْتُمْ وَ ما ذُبِحَ عَلَی النُّصُبِ»(مائده،۳) گوشت مردار، و خون، و گوشت خوک، و حیواناتی که به غیر نام خدا ذبح شوند، و حیوانات خفه شده، و به زجر کشته شده، و آنها که بر اثر پرت‌شدن از بلندی بمیرند، و آنها که به ضرب شاخ حیوان دیگری مرده باشند، و باقیمانده صید حیوان درنده- مگر آنکه (بموقع به آن حیوان برسید، و) آن را سربرید- و حیواناتی که روی بتها (یا در برابر آنها) ذبح می‌شوند، (همه) بر شما حرام شده است. نخستین چیزی که در آیه تحریم شده خوردن گوشت مردار است مردار کانونی برای پرورش انواع میکروب ها است. خون نیز میدان پرورش انواع میکروب ها وامراض خطر ناک ا ست، در گوشت خوک نیز انگل های خطر ناک دارد.

۱۰- دفاع شایسه از جامعه در برابر دشمنان بیرونی

پایداری هرملتی به میزانی توانایی و قدرت دفاعی آن ملت است هر ملتی به هر اندازه که از نظر نیروی انسانی وتجهیزات نظامی نیرومند باشد، بهتر می‌توانند از هستی خود دفاع نماید و

هر اندازه از نظر نظامی ضعیف باشند بیشتر در معرض نابودی قرار می‌گیرند، فلسفه پیدایش جنگ و تأسیس ارتش و نیروی نظامی در تاریخ همین است. دشمنان همواره دنبال فرصت است تا به مسلمانان ضربه بزنند، یکی از وضایف حکومت در قرآن، دفاع از کشور اسلامی و جهاد در راه آن است که برای آن باید آماده باشد روشن ترین آیه‌ای که هدف اسلام را از جهاد بیان می‌کند این آیه است:« وَ ما لَکُمْ لا تُقاتِلُونَ فی سَبیلِ اللَّه وَ الْمُسْتَضْعَفینَ مِنَ الرِّجالِ وَ النِّساءِ وَ الْوِلْدانِ الَّذینَ یَقُولُونَ رَبَّنا أَخْرِجْنا مِنْ هذِهِ الْقَرْیَةِ الظَّالِمِ أَهْلُها وَ اجْعَلْ لَنا مِنْ لَدُنْکَ وَلِیًّا وَ اجْعَلْ لَنا مِنْ لَدُنْکَ نَصیرا»(نساء،۷۵) چرا در راه خدا، و (در راه) مردان و زنان و کودکانی که (به دست ستمگران) تضعیف شده‌اند، پیکار نمی‌کنید؟! همان افراد (ستمدیده‌ای) که می‌گویند: «پروردگارا! ما را از این شهر (مکه)، که اهلش ستمگرند، بیرون ببر! و از طرف خود، برای ما سرپرستی قرار ده! و از جانب خود، یار و یاوری برای ما تعیین فرما!. از این آیه استفاده می‌شود که مسلمانان باید در هرزمان به قدری نیرو داشته باشند تا بتوانند ملت‌های رنجدیده وستمدیده را از زیر بار ظلم وستم نجات دهند زنجیرهای استعمار را از دست و پای ملل محروم پاره کنند.

درجای دیگر قرآن می‌فرماید: «یا أَیُّهَا النَّبِیُّ جاهِدِ الْکُفَّارَ وَ الْمُنافِقینَ وَ اغْلُظْ عَلَیْهِمْ وَ مَأْواهُمْ جَهَنَّمُ وَ بِئْسَ الْمَصیر»(تحریم،۹) ای پیامبر! با کفّار و منافقین پیکارکن و بر آنان سخت بگیر! جایگاهشان جهنم است، و بد فرجامی است! «یا أَیُّهَا النَّبِیُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنینَ عَلَی الْقِتالِ إِنْ یَکُنْ»(انفال،٦٥) ای پیامبر! مؤمنان را به جنگ (با دشمن) تشویق کن!

نتیجه

با توجه به آنچه بیان شد، از نظر قرآن، در کنار رشد معنوی و فضایل اخلاقی، شاهد برخورداری مردم از رفاه و بهره‌مندی از نعمت‌های الهی متناسب با شأن انسان هستیم. بر اساس جهان‌بینی و نگرش قرآن به جهان و انسان، در این مکتب حیات‌بخش، حکومت به منزله ابزاری برای تکامل انسان است؛ وظایفی که برای دولت اسلامی مقرر کرده است نیز در همین راستا می‌باشد. در این نوشته با استفاده از آیات قرآن کریم در قالب دو بخش وظایف داخلی و وظایف خارجی به تبیین وظایف دولت قرآنی پرداختیم. نظام قرآنی نظامی است که در سیاست خارجی آن صلح و همزیستی مسالمت آمیز، استقلال سیاسی، همکاری در مسائل

بین المللی، احترام به پیمانها بر آن حاکم است و در سیاست داخلی: برقراری امنیت، عدالت اجتماعی، حفظ بهداشت عمومی، تعلیم وتربیت همگانی، تدبیر امور اقتصادی، ظلم ستیزی و اجرای حدود و احکام الهی اهمیت بسیار دارد.

منابع

– قرآن کریم.

۱) ابن‌خلدون، عبدالرحمن، مقدمه، ترجمهٔ محمد پروین گنابادی، تهران : بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ج۱،۱۳٤۷.

۲) حقیقت، سیدصادق، مبانی، اصول و اهداف سیاست خارجی دولت اسلامی، قم، نشرپژوهشگاه علوم وفرهنگ اسلامی، چاپ اول۱۳۸۵.

۳) حسین نوری بن محمدتقی، مستدرک الوسائل، ج۳، قم، مکتبه اسلامیه،۱۳۸۲.

٤) سبحانی، جعفر، مبانی حکومت اسلامی، قم، نشر توحید، چاپ اول، ۱۳۷۰.

۵) شیرازی، سید صادق، اسلام و سیاست، قم، نشر سیمای کوثر، ۱۳۹۰.

٦) علی بابائی، غلامرضا، فرهنگ روابط بین الملل، تهران ، نشر وزارت امور خارجه ایران، چاپ چهارم،۱۳۷۷.

۷) غزالی، ابوحامد، المستصفی، بغداد، مکتبه المثنی، ج۱۳۲۲،۱ق.

۸) فیرحی، داود، تاریخ تحول دولت در اسلام، قم،نشر دانشگاه مفید، چاپ اول،۱۳۸٦.

۹) روحانی، محمود، المعجم الاحصایی لالفاظ القرآن الکریم،(فرهنگ آماری کلمات قرآن کریم)، ج۱، مشهد، نشر آستان قدس رضوی،۱۳٦۸.

۱۰) کاظمی، سید علی اصغر، روابط بین الملل در تئوری و عمل، تهران، نشر نی،۱۳۷٦.

۱۱) کلینتون، دیوید دبلیو، دوریه منفعت ملی، برگردان: اصغر افتخاری، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۹.

۱۲) گالبرت، جان کنت، «قدرت وسازمان»، در استون لوکس، قدرت، فرا انسانی یا شیطانی، ترجمه فرهنگ رجایی، تهران، موسسه مطالعات وتحقیقات فرهنگی،۱۳۷۰.

۱۳) واقدی، محمدبن عمر مغازی، تاریخ جنگهای پیامبر(ص)، محمدبن عمر واقدی. تهران،مرکزنشردانشگاهی، ج۲،۱۳٦٦.

۱٤) محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، تهران، نشر جاویدان، ج٦۱، سال۱۳٦۷.